

# از المپیک تا امر ملی



## روز

یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۳



شماره ۴۲۰۵



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE



دور افتخار زدن با پرچم روی تشک کشتی، اولین تصویری است که احساس یک خوشحالی جمعی، شادی ملی یا غرور ملی را در ذهن تداعی می‌کند. در این احساس جمعی حتی باخت هم معادله را تغییر نمی‌دهد، یک ملت یک احساس مشترک را تجربه می‌کند. مفهوم اصلی به قوت خود باقی است، آن هم یکدست شدن یک ملت برای اتفاق افتادن رویدادی است که منحصر به اوست. برای ملت ایران، اهمیت این موضوع بعد از وقایع ۱۴۰۱ دوچندان هم شده است. رسانه های فارسی زبان با پرچم کارفرمایان شان، ضربه زدن به این امر ملی، شادی جمعی و حتی ناراحتی و غصه بعد از شکست را نشانه گرفته بودند تا اساسا چیزی به نام غرور ملی و یکپارچگی مردم شکل نگیرد. در این پرچم حتی خوشحالی کردن بعد از باخت ملی پوشان در مسابقه، تحسین می‌شد. نکته مهم ماجرای این بود که براندازان تنها تضعیف ورزش ملی را کلید نزدند، این یکی از اهداف مهم بود. هدف مهم و اصلی تر پله پله ضربه زدن به یکپارچگی ملی بود. حاله که ایران از این جنگ علیه ملیت فاصله گرفته، رقابت های المپیک فرصت خوبی برای ترمیم آسیب های وارد شده به جامعه است.

### انر ماندگار یک شادی جمعی

اگرچه کمپین تحریم ایران از کارزارهای ورزشی در ۱۴۰۱ موفق عمل نکرد اما نمی توان

کنمان کرد تلاش برای ضربه زدن به امر ملی، تاثیری در جامعه ایرانی نداشته است. واقعیت این است شکاف های به وجود آمده در جامعه بعد از پاییز ۱۴۰۱ به طور کامل ترمیم نشده است اما از آن روزهای بحرانی فاصله زیادی گرفته است. در همین چهارچوب شروع رقابت های المپیک ۲۰۲۴ پاریس، شادی جمعی بعد از پیروزی ها و احساس خوشایند مردم از دور افتخار قهرمان با پرچم، باز هم حس خوبی به مردم می‌دهد. این نشان می‌دهد از بخش زیادی از فضای پراخته در جامعه ایرانی در روزهای اوج بحران پاییز ۱۴۰۱ فاصله گرفته ایم. واقعیت این است شادی جمعی یا حتی ناراحتی بعد از شکست، اثری اجتماعی دارد که ماندگارتر از خوشحالی جمعی بعد از کسب مدال و کسب عنوان قهرمانی است. اگر جامعه بتواند این اثر اجتماعی را حفظ کند، تاثیر مستقیم و مثبتی در حس یکپارچگی ملت می‌گذارد و آن را در بحران هایی که ملت را به برتگاه شکاف و دودستگی می‌برد، بیمه می‌کند.

### شادی های جمعی؛ خط مقدم ترمیم شکاف های اجتماعی

برای جامعه ایرانی که پاییز ۱۴۰۱ را تجربه کرده و البته در انتخابات نیز با کاهش مشارکت و عدم حضور بخشی از جامعه مواجه بوده، استفاده مثبت از احساس

غرور و شادی جمعی می‌تواند کمک موثری در ترمیم این شکاف ایفا کند. برای ترمیم این شکاف ها و تقویت امر ملی، ورزش و اثر اجتماعی آن یک امکان است. پس از آن رویدادهای داخل کشور که در آن می‌شود یک خیر عمومی را دید هم بار ترمیم این شکاف را به عهده می‌گیرند. هراتفاق، رویداد یا مساله ای که این احساس را به مردم یک جامعه منتقل کند که آنها بخشی از یک ملت و کشور هستند، در این مسیر اثرگذار است. این احساس در مسائل محیط زیستی هم خود را به خوبی نشان می‌دهد. برای مثال در تولد یوزپلنگ های ایرانی در حال انقراض، یک احساس جمعی در میان طیف های مختلف در جامعه قابل مشاهده بود. همین شادی های جمعی کوچک در حوزه های مختلف، در موضوعاتی که طیف های مختلف جامعه نسبت به آن کمترین اختلاف را دارند، می‌تواند به مرور در ترمیم امر ملی و موضوعیت یافتن رویداد های ملی برای همه اقتشار جامعه، اثرگذار باشد و از کم رنگ شدن این احساس در بطن جامعه جلوگیری کند. ترمیم این موضوع به مرور اثر خود را در دیگر شئون جامعه نیز می‌گذارد. جامعه ای که به همه رویداد های رخ داده در کشورش اهمیت دهد، طبیعتا به انتخابات که مهم ترین کارزار سیاسی در کشور است نیز بی تفاوت نخواهد بود. حالاشاید بهترین فرصت برای نظام حکمرانی در جهت پرزنگ کردن این امر در میان طیف های جامعه است. حتی اگر نگهدارنی را باشد که

میزان مشارکت در انتخابات بعدی افزایش پیدا کند، استفاده مثبت و توجه به پرزنگ کردن خیرهای عمومی از طریق رویدادهای کوچک ملی و ایستادن روی آنها بدون زیاده روی و بیرون زدگی نیز می‌تواند کارکرد مثبتی برای جامعه داشته باشد و البته باید به این موضوع هم توجه کرد که در بیرون از مرزها همچنان این تلاش برای ضربه زدن به هرچیزی که رنگ و بوی ملی شدن بدهد، ادامه خواهد داشت.

### ورزش قهرمانی؛ تقویت کننده امر ملی

نکته مهم دیگری این است که تقویت هرچه بیشتر ورزش همگانی و سرمایه گذاری بیشتر در این حوزه نیز می‌تواند تاثیر مستقیمی در تقویت امر ملی داشته باشد. علاوه بر این جایگاهی که ورزشکار بعد از قهرمانی پیدا می‌کند و تصویری که در جامعه از او ایجاد می‌شود، می‌تواند در ترغیب افراد برای ورود به این حوزه نیز تاثیرگذار باشد. یعنی علاوه بر اینکه دور افتخار آن ورزشکار احساس غرور ملی را به جامعه پمپاژ می‌کند، تصویر قهرمانانه او منجر می‌شود جوانان برای حضور در این عرصه ها ترغیب شوند؛ چراکه آنها نیز به دنبال تجربه این احساس خوشایند و کسب این غرور ملی در جامعه هستند. برای برسی بیشتر آثاری که کارزارهای ورزشی می‌تواند بر تقویت امر ملی در جامعه بگذارد و اقداماتی که می‌توان انجام داد، باسید حسین شهرستانی، جامعه شناس گفت و گو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

## شهرستانی: ورزشکاران باری از هویت ملی ما را به دوش می‌کشند

شهرستانی ابتدا به این موضوع اشاره کرد که نسبت غیر قابل انکار بین ورزش های جهانی و هویت ملی برقرار است و گفت: «بین هویت و امر ملی یا تشکیل نظام های ملی و ورزش ملی نسبت بسطی برقرار است. شکل گیری ورزش قهرمانی و مسابقات قهرمانی جهانی، با فراگیر شدن سازوکار دولت ملت ها، به خصوص در قرن بیستم، هم زمان است. قرن بیستم، قرن شکل گیری تورنمننت های جهانی جام های بزرگ است، در عین حال قرن شکل گیری جامعه ملل است. یکی از فرم های تشکیل یابی ملت ها، خود آگاهی ملت ها، هم سرنوشتی ملت ها و تقابل مسالمت آمیز ملت ها، ورزش بوده. این یک مفهوم شناخته شده است، البته جمهوری اسلامی هم از این ماجرا غافل نبوده است. یکی از دستاوردهای جمهوری اسلامی این است که ورزش را به یک امر و پدیده ملی تبدیل کرده و توانسته در این حوزه لحظاتی که در تاریخ، ملی است و تجربه ملی در آن توسط مردم احساس می‌شود را خلق کند. مشهورترین آن راهیابی ایران به جام جهانی در مصاف با استرالیاست یا پیروزی ایران بر آمریکا یا قهرمانان ملی مثل حسن یزدانی و دیگر افراد. البته سیاست گذاری هم در این رابطه انجام شده است. درست یا غلط اما هیچ زمان این موضوع مورد غفلت نبوده است.»

### حرکت قوانین جهانی به سمت ملیت زدایی از ورزش

شهرستانی در ادامه به این موضوع اشاره کرد که در نظام بین المللی تلاش هایی برای کم رنگ کردن امر ملی صورت گرفته است و گفت: «گرچه نظام جهانی برخلاف جهت گیری نخستین که ورزش را به یک امر ملی تبدیل کرده بود، الان حاکمیت های ملی را از سلطه پر ورزش ملی کنار می‌زند و فدراسیون های جهانی و قوانین جهانی ورزش به سمت حاکمیت زدایی و ملیت زدایی از ورزش حرکت می‌کنند. این یکی از ابعاد مهم پروژه جهانی شدن است که ورزش را به مثابه حربه ای در خدمت تقویت هویت های ملی تضعیف کند و آن را به حربه ای در خدمت هویت های خرد فرملی و واگرا تبدیل کند. این کار دارد انجام می‌شود. همان کاری که شرکت های فراملیتی با اقتصاد های ملی انجام می‌دهند، چون این شرکت های فراملیتی نظام جهانی، اقتصاد با نظام جهانی ارتباطات و رسانه مثل غول های رسانه جهان دارند سازوکارهای اقتصادی ملی یا سازوکارهای رسانه ای ملی را انتخاب می‌کنند، همین اتفاق در حوزه ورزش نیز می‌افتد. در سیاست هم، نهاد های فراملی مثل نهاد های حقوق بشری یا سازمان ملل اتفاقا حقوق ملی را تضعیف می‌کنند. در ورزش هم همین است و نهاد های فراملی، فدراسیون های جهانی به تدریج دست حاکمیت های ملی را از مدیریت ورزش ملی کوتاه می‌کنند. این میدانی است که ما در آن با ساختار ورزش جهانی دست و پنجه نرم می‌کنیم.»

### کارکرد اجتماعی ورزش را دقیق فهم نکرده ایم

او در ادامه درباره اینکه چه اقدامی می‌بایست در مواجهه با این تلاش انجام داد، گفت: «شکسته شدن مقاومت نظام های ملی در برابر نظام سرمایه داری جهانی هدف راهبردی برای سرمایه داری جهانی است. ایده نهایی دهکده جهانی در گرو حذف دیوارهای ملیت ها در برابر نیروی جهانی شدن است. به هر صورت ما باید در این زمینه مقاومت کنیم و البته یک فهم کلی داریم که ورزش یک تاثیری دارد. مثلا مردم خوشحال می‌شوند، پرچم بالا می‌روند و مردم پرچم را می‌پوسند. در این حد فهمیدیم در حالی که مفهوم خیلی بسط تر است و تنها به این محدود بوده که بگوییم پرچم بالاست و سرود ملی پیش کنیم و عکس یادگاری بگیریم و قهرمان مدالش را به شهدا تقدیم کند و... در این حد کارکرد اجتماعی ورزش قهرمانی را فهم می‌کنیم اما این مصاف، مصاف بزرگی است و یک طرف آن سرمایه داری جهانی و یک

طرف آن، استقلال دولت - ملت هایی است که می‌خواهند روی پای خود شان بایستند و از تمامیت هویتی، اقتصادی و سیاسی شان دفاع کنند. در این مقیاس خیلی درک نکردیم.»

### گوهر پهلوانی؛ مهم ترین خصیصه فرهنگ عمومی در ایران

شهرستانی درباره اینکه این ظرفیت را چطور می‌توان در داخل کشور ایجاد کرد نیز توضیح داد: «در سیاست داخلی این تجربه را داشتیم. بین سلب ریتی های هنری و سینمایی که اساسا دل در گرو ارزش های جهان مدرن دارند که متر و معیار شان کن و اسکار است و نهایتا قیله آمال شان آنجاست، در نقطه مقابل ورزشکاران باری از هویت ملی ما را به دوش می‌کشند و آن عنصر جوانمردی و پهلوانی است. یک عنصری از هویت ملی ما که آن عنصر پهلوانی است و مهم ترین خصیصه فرهنگ عمومی در ایران است، در ورزش وجود دارد. در ورزش گوهر پهلوانی به مثابه مهم ترین خصیصه فرهنگ عمومی در ایران، امکان تبلور و ظهور پیدا می‌کند. همین امروز هم این گوهر پهلوانی در شخصیت حسن یزدانی دیده می‌شود که شکست خورده و می‌گوید من راضی ام به رضای خدا. این چیزی نیست که در روحیه سلب ریتی های هنری، سراغی از آن پیدا کنیم، چون اصلا با ارزش های دیگری کار می‌کنند. بنابراین، ورزش عنصری از تاریخ حماسی ایران را در خود حمل می‌کند به خصوص ورزش هایی که عنصر حماسی و پهلوانی بیشتر در آن به چشم می‌خورد. در راس همه کشتی است و در کنارش، تکواندو، تکواندو هم یک پهلوانی و دلوری در خود دارد که با فرهنگ پهلوانی ایرانیان سازگار است. در کل ورزش ها این وجود دارد. تمام این ورزش ها نمایش یا تمرین جنگ است، حتی شطرنج که ورزش کاملا فکری است. همه ورزش ها در طول تاریخ از عصر باستان تا امروز شکل رقیق شده یا کم خطر شده جنگ هستند. در جنگ پهلوان است که ظاهر می‌شود و خود نمایی می‌کند. پس تمام ورزش ها، نه فقط کشتی، عرصه ظهور امر پهلوانی است، چه به نحو رقیق چه به نحو برجسته و جدی مثل کشتی. حتی در ورزش های دیگر هم که ماهیت کلاسیک، سنتی، ملی، ایرانی و شرقی ندارند هم جوهر پهلوانی به خاطر حضور عنصر جنگ آوری، خود را آشکار می‌کند. ورزشی نیست که استعاره ای از جنگ نباشد. فوتبال هم استعاره ای از جنگ است. میدان جنگ عرصه نام و ننگ است و این عرصه پهلوانی است و هویت پهلوانی هم ارتباطی با هویت حماسی و ملی ما دارد که با انقلاب هم نسبت دارد. عرصه ورزش فقط بالا رفتن پرچم نیست، روحیه حماسی و مواجهه غلانه با جهان که ماهیت انقلاب است در آن آشکار می‌شود و ما بیش از پیش باید در حوزه ورزش قهرمانی سرمایه گذاری کنیم. با این نگاه بنیادین، مدنی سازنده و نسبت تامل شده و خود آگاه. این خود آگاهی کم و بیش وجود ندارد.»

### حضور زنان در ورزش در خدمت حرکت حماسی ملت

شهرستانی به این موضوع اشاره کرد که اهمیت به ورزش قهرمانی و تاثیر آن بر ملت، تنها در نگاه رهبر انقلاب دیده می‌شود و توضیح داد: «تنها کسی که اجمالا این خود آگاهی را دارد، شخص رهبر انقلاب است که تاکید کردند ایران قوی، ورزش قوی. نگاه حماسی که در سیاست ملی خودش را در مفهوم ایران قوی نشان می‌دهد، یک نوع ورزش حماسی را می‌طلبد. در واقع ایشان ورزش قوی را طلب می‌کنند و همواره از ورزش قهرمانی حمایت کرده و انرژی داده اند. به خصوص در ورزش زنان اگر حمایت های شخص ایشان نبود با وجود گفتارهای متحجرانه ای که در فضای عمومی وجود دارد، اصلانمی شد ورزش زنان را این طور جا انداخت. با نگاه هایی که حضور زنان در این میدان ها را لگد برانی می‌داند، نمی‌شد در این عرصه ظاهر شویم و ایشان گفتاری ایجاد کرده اند که حضور

زنان در این عرصه در مجموع در خدمت حرکت حماسی ملت ایران در جریان انقلاب تفسیر می‌شود و این نیرو می‌دهد و کمک می‌کند.»

### باز تولید امر ملی با ادبیات پهلوانی ورزش

شهرستانی «باز تولید امر ملی» را مستلزم توجه به منافع کلان در جامعه دانست و افزود: «اگر ما بتوانیم با زبان حماسی و ذیل یک ادبیات پهلوانی ورزش را به نفع کلان در جامعه ایرانی بازتعریف کنیم بدون اینکه اغراق کنیم و فقط نماد پرزادی کنیم و به صورت نمایشی با این ادبیات برخورد کنیم، آن امر ملی به نحو عمیق باز تولید و روایت مند می‌شود. از یک تصویر لحظه ای به یک روایت جاری تبدیل می‌شود. حالا ما با یک تصویر لحظه ای روبه رو هستیم و یک قاب که در آن پرچم ایران بالا رفته یا یکی از ایرانیان با یک پرچم که روی دوشش انداخته در سکوی قهرمانی ایستاده است. یعنی از یک لحظه استفاده می‌کنیم. این باید تبدیل به یک چرخه روایی شود و یک ادبیات حماسی و پهلوانی روح پیدا کند که البته رگه هایی از آن در گزارش های عامل وجود دارد، یعنی کشتی ما را وارد یک زبان و هویتی کرده است. این روایت کشتی توسط هادی عامل، یک دستور زبان و کلمات کلیدی دارد و با آن کلمات کلیدی که ایرانی و حماسی هستند روایت می‌شود. این شکل خیلی معمولی و دم دستی آن است. کم و بیش هم شخصیت هایی داریم که بتوانند این روایت را طرح کنند. اشخاصی در کشتی مثل زاغ و یزدانی و در فرنگی هم مثل اسماعیلی این شخصیت و سجا یا را دارند که بتوانند آن هویت را نمایندگی کنند. آنها بدون آنکه خودشان هم چندان نسبت به آن آگاه باشند کاملا در این مسیر حرکت می‌کنند. به هر حال در صورتی که چنین کلان روایتی شکل بگیرد ما می‌توانیم استفاده بلند مدت و پایداری از این قضیه داشته باشیم.»

### برخی نمی‌توانند با امر ملی را تحمل کنند

شهرستانی معتقد است امر ملی یک مفهوم انتزاعی بیرون از زندگی روزمره نیست. او در این باره توضیح داد: «در همین لحظات و اوقات است که تکه پاره های هویت سوزنی کنار هم چیده می‌شود و یک تصویر کامل می‌سازد. لحظه ای خلق می‌شود که در آن لحظه حس هم سرنوشتی ایجاد می‌شود. آن لحظه، لحظه ملی است. وقتی یک قهرمان به عنوان نماد تمام نیروها و آرزوهای یک ملت وارد تشک می‌شود و پیروز می‌شود یا شکست می‌خورد، آن حس و عواطف مشترک غلیان پیدا کرده و امر ملی ظاهر می‌شود. اتفاقا شخصیت ها بیشتر از مفاهیم می‌توانند آن حس مشترک را نمایندگی کنند. بنابراین در تاریخ حماسی ما هم شخصیتی مثل رستم نماد امر ملی بوده و شخصی است که پیروزی و شکستش مساوی با پیروزی یا شکست ایران بوده. بنابراین این لحظات نمادین و سمبلیک هستند و لحظاتی هستند که شخص در آنجا دیگر خودش نیست. آنجا پار یک امر فرا شخصی روی دوشش نهاده شده است. برخی از آدم ها هستند که می‌توانند این بار را تحمل کنند، برخی میانه هستند و برخی پست تر هستند و به این عواطف لگد می‌زنند؛ مثل خانم علیزاده که به آن پشت کرد و بخشی از جامعه ای که خودش همین حس بی احترامی و بی حرمتی نسبت به امر ملی را دارد با او همدلی می‌کند. به نظر من هر کسی که نسبت به او حس احترام و همدردی را از جامعه ایرانی طلب می‌کند، کسی است که در وجود خودش لحظاتی به امر ملی پشت کرده و بی احترامی کرده. از این جهت است که می‌تواند با او همدات پنداری کند. هیچ چیز احترام برانگیزی در پیروزی یا شکست کسی که به همیشه پشت کرده باشد وجود ندارد. آن هم کسی که این همه قدر و منزلت و اجر دیده است. هیچ راهی برای بازگرداندن چنین آدم هایی وجود ندارد.»